

از خواستن تا ساختن؛ نقش محدودسازی خواسته‌ها در پرورش انگیزه کودک

سیده مریم موسوی میرکلائی

چکیده:

تربیت کودکان یکی از مهم‌ترین اقدامات والدین می‌باشد چرا که هر کودک سرمایه جامعه، محسوب می‌شود. چنانچه والدین در این راه افراط و تفریط نمایند آسیب جدی به آینده آن کودک وارد می‌شود. یکی از مهم‌ترین مواردی که می‌توان بیان نمود از بین رفتن انگیزه در کودکان زمان حال می‌باشد. لذا این سوال پیش می‌آید که چه مواردی در تربیت توسط والدین صورت نگرفته که موجب بی‌انگیزگی در کودکان می‌شود؟ از این رو پژوهشگر با مراجعه به منابع معتبر کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی این موضوع می‌پردازد. از جمله مواردی که سبب بی‌انگیزگی در کودکان می‌شود عبارتند از: افراط در برآوردن خواسته‌های کودکان که نیاز است برای رفع آن والدین در برطرف سازی نیازهای کودک محدودیت‌هایی قائل شوند.

کلیدواژه‌ها: کودک، انگیزه، والدین، تربیت، راهکار

۱- مقدمه:

۱-۱- تبیین مسأله

در دنیای امروز، کودکان با انبوهی از امکانات رفاهی و خواسته‌های فوری و سرگرمی‌های دیجیتال و اسباب بازی‌ها و برنامه‌های متنوع روبرو هستند. با برآورده شدن بی‌قید و شرط خواسته‌های کودکان، خط تضعیف انگیزه درونی به طور جدی مطرح می‌شود که در پی آن به موارد زیر منجر می‌شود:

- کاهش تاب‌آوری: کودک با اولین ناکامی دچار دلسردی می‌شود.

- تضعیف خلاقیت: نیاز به ساختن یا فکر کردن به راه‌حل‌های جایگزین در کودک احساس نمی‌شود.

- مفهوم انتظار و زمان بندی را نمی‌آموزد.

لذا این سوال مطرح می‌شود که چه راهکاری جهت جلوگیری از این مشکل وجود دارد؟ محققان محدودسازی خواسته‌های کودکان را پیشنهاد می‌کنند اما این محدودسازی چگونه، بر چه اساس و به چه میزان باید باشد؟ از این رو پژوهشگر در این پروژه تلاش دارد علاوه بر بررسی آسیب‌های برآوردن بی‌حد و حصر خواسته‌ها، به نقش محدودسازی خواسته‌ها در رشد کودک و راهکارهای عملی آن بپردازد

۱-۲- پیشینه

در این رابطه کتاب‌هایی نگاشته و پژوهش‌هایی انجام شده است که عبارتند از:

- کتاب روانشناسی تربیتی کاربردی اثر غلامعلی افروز به مبحث انگیزه در مدرسه پرداخته است اما به موضوع مورد بررسی ما نپرداخته است.

- کتاب تربیت کودک اثر روح الله گائینی، تربیت کودک را از ازدواج تا تشویق و تنبیه کودک بیان می‌کند. اما درباره محدودسازی خواسته‌ها مطلبی بیان نکرده است.

- کتاب پدران، مادران و پرورش کودکان اثر ابولفضل هدایتی فخرداد، به بیان دین و جایگاه خانواده، دین و پرورش کودکان پرداخته اما به بحث خواسته‌های نامحدود کودکان نمی‌پردازد.

اما پژوهشگر قصد دارد تا به بیان و بررسی نقش محدودسازی خواسته‌ها در پرورش انگیزه کودک بپردازد.

۱-۳- ضرورت

با توجه به افزایش مشکلات رفتاری، بی‌حوصلگی و وابستگی در کودکان، شناخت راهکارهای تربیتی موثر برای پرورش انگیزه درونی ضروری است.

۴-۱-هدف

بررسی تاثیر محدودسازی خواسته‌ها توسط والدین در پرورش انگیزه کودک چیست؟

۵-۱-سوال اصلی

نقش محدودسازی خواسته‌ها توسط والدین در پرورش انگیزه کودک چیست؟

۶-۱-سوالات فرعی

۱. نقش والدین در شکل‌گیری خواسته‌های کودکان چیست؟

۲. محدودسازی خواسته‌ها؛ ضرورت محسوب می‌شود یا آسیب؟

۳. چه راهکارهای عملی برای ایجاد انگیزه در کودک وجود دارند؟

۷-۱-فرضیه‌ها

۱. والدین مهمترین نقش را در تربیت و میزان خواسته‌های کودکان دارند به گونه‌ای که والدین سهل‌گیر موجب پرورش کودکان با خواسته‌های نامحدود می‌شوند.

۲. مشخصاً محدودسازی در کودکان یک ضرورت محسوب می‌شود و چرا که در آینده آن‌ها بسیار تاثیرگذار است.

۳. از جمله راهکارهای عملی عبارتند از:

تعیین مرزهای روشن و منطقی، آموزش مهارت‌های خودتنظیمی به کودک و ...

۸-۱-فهرست مطالب

در این پژوهش، پس از بیان مقدمه و مفاهیم به ذکر انواع انگیزه، انواع والدین، انواع نیازها، انواع محرومیت، برآورده سازی افراطی، ضرورت محدودیت در تربیت فرزند از دیدگاه اسلام و راهکارهای عملی پرداخته شده است.

۲- مفاهیم

۱-۲-انگیزه

انگیزه در لغت عبارتست از : سبب و باعث چیزها، (برهان قاطع)، (هفت قلزم) ، (انجمن آرا) ، (آندراج) ، موجب، علت (ناظم الاطباء) (دهخدا ، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۶۰۴)

آنچه کسی را به کاری برانگیزاند، سبب، باعث (معین، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۷۴)

انگیزه در اصطلاح عبارتست از : میل و رغبتی که فرد برای رسیدن به هدفی از خود نشان می‌دهد. هر قدر این انگیزه با میل و رغبت بیش‌تر همراه باشد، فرد تلاش روزافزون‌تری از خود نشان دهد. (افروز، ۱۳۸۱، ص ۴۶)

انگیزه به صورت نیاز یا خواست ویژه‌ای تعریف شده است که انگیزش را موجب می‌شود. انگیزش را می‌توان به عنوان نیروی محرک فعالیت‌های انسان و عامل جهت دهنده آن تعریف کرد. (سیف، ۱۳۸۷، ص)

انگیزه به عنوان حالت مشخصی که سبب ایجاد رفتار معین می‌شود انگیزش عامل کلی مولد رفتار به حساب می‌آید درحالی که انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار می‌دانند. (همتی، ۱۳۹۶، ص ۴)

۲-۲- پرورش

پرورش در لغت عبارتست از:

۱. [پَـ رَ وَ ر] (امص) اسم مصدر از پروردن، عمل پروردن، تیمار، مراعات، رعایت، تربیت، تربیه، تعلیم، تأدیب، ترشیح

(دهخدا، ۱۳۰۷، ج ۴، ص)

پرورش: (پَـ وَ ر) [په.] (امص.) ۱- تربیت، تعلیم، تأدیب

۲- فرهنگ، تمدن.

۳- پرستیدن، پرستش

۴- (ا.) خوراک، خورش، غذا، طعام

(معین، ۱۳۸۲، ص ۵۳۳)

پرورش در اصطلاح عبارتست از: جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمانی، شناختی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و یا به‌طور کلی رشد شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنهاست. (سیف، ۱۳۸۹، ص)

۳- انواع انگیزه

برای انگیزه تقسیم بندی‌های متفاوتی بیان شده است، که ممکن است مقداری هم‌پوشانی داشته باشند اما انطباق کامل با یکدیگر ندارند، از جمله:

انگیزه‌های «درونی یا بیرونی»، «اولیه یا ثانویه» / «فیزیولوژیک»، «روان‌شناختی یا اجتماعی»، «ذاتی یا اکتسابی»، «واکنشی یا خودجوش»، «هشیار یا ناهشیار»، «انگیزه کمبود یا انگیزه پیشرفت» و ... قابل ذکر هستند. (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۹۱)

۱-۳- انگیزه اولیه و انگیزه ثانویه: انگیزه‌های اولیه عمدتاً با نیازهای اولیه زیستی مرتبط هستند، مثل گرسنگی و تشنگی، اما انگیزه های ثانویه با نیازهایی ارتباط دارند که چندان جنبه حیاتی و زیستی ندارند و با بقای فرد مرتبط نیستند مثل نیاز به دوست داشتن.

۲-۳- انگیزه درونی و انگیزه بیرونی : انگیزه درونی حاصل تقویت کننده‌های شخصی است و نیازی به تقویت کننده مشخصی ندارد. مانند رضایت خاطر حاصل از یادگیری و کسب دانش. در این نوع انگیزه دوام و پایداری و خود هدایت‌گری بیشتری از انگیزه‌های بیرونی دارد که باید مکرراً با تشویق‌های عینی تقویت شوند. بعضی از کودکان و بزرگسالان در گروه‌های سنی مختلف استعداد و توانایی کمی برای انگیزه درونی دارند و باید به طور دائمی هدایت و تقویت شوند. دلیل استفاده از مشوق‌ها ایجاد یادگیری بیشتر در افراد است. اما استفاده مداوم از پاداش‌های بیرونی سبب کاهش انگیزه درونی می‌شود. انگیزه بیرونی حاصل تقویت کننده‌های محیطی است که به عنوان محرک یا عامل ، سبب تلاش موجود زنده برای دستیابی به چیزی می‌شود. انواع انگیزه‌های بیرونی عبارتند از: تقویت کننده‌های نخستین که نیازهای فیزیولوژیکی موجود زنده را ارضا می‌کند. مانند آب و غذا و ... ، تقویت کننده‌های شرطی مانند پول، نمره، مقام، شغل و ... ، تقویت کننده‌های اجتماعی مانند توجه، محبت، تایید و ...

برخی ادعا می‌کنند رفتاری که به طور درونی ، برانگیخته می‌شود، بهتر از رفتاری است که از بیرون برانگیخته می‌شود و به پاداش‌های قابل مشاهده متکی است. این منتقدان شیوه کنشگر چنین می‌گویند: « پاداش دادن به کودکان، آن‌ها را فاسد می‌کند، زیرا موجب می‌شود آن‌ها منحصر برای پاداش کار کنند و ما به واقع در پی کودکانی هستیم که به پاداش نیاز نداشته باشند.» پژوهش‌های متعددی مبین ارتباط انگیزه‌ها و هدف‌های درونی با انگیزه‌ها و هدف‌های بیرونی است که هماهنگی این دو سبب دستیابی به سلامت، رفاه و عملکرد را می‌آورد. (همتی، ۱۳۹۵، ص ۷-۶)

۳-۳- انگیزه های فیزیولوژیک ، روانشناختی یا اجتماعی :

انگیزه های فیزیولوژیک شناخته شده هستند در قرآن نیز به هر کدام از آنها اشاراتی شده است ؛ مثل انگیزه امنیت و آرامش مادی و معنوی (رعد، ۲۸) ، انگیزه خوردن و آشامیدن، (نمل ، ۶۷) انگیزه جنسی (بقره، ۱۸۷) انگیزه تنفس (یس، ۴۳) که می شود آن را از مفهوم غرق شدن و راه نجات نداشتن و نبودن فریادرس، استنباط کرد. انگیزه خواب و بیداری که از نشانه های خداوند شمرده شده است. (روم ، ۲۴) (کاویانی ، ۱۳۹۴، ص ۹۷)

انگیزه‌های روانی نیز به طور فراوان مورد توجه بوده‌اند؛ مثل انگیزه حفظ خانواده، تعلق به دیگران همچون برادر، انگیزه اقتصادی و دریافت غذا (یوسف، ۶۶) انگیزه رنج‌گریزی و جاودان طلبی (حجر، ۴۵-۴۸) انگیزه هایی مثل انگیزه شهادت جهاد صبر دعا زیاده خواهی دنیوی ، هدایت خواهی برای دیگران، فتنه جویی (توبه، ۴۷) ، زینت خواهی (کهف، ۴۷) انگیزه صالح بودن (نمل، ۱۹) ، ... ، نیز در زمره انگیزه های روانی جای میگیرند.

انگیزه های اجتماعی نیز به وفور مورد توجه قرآن قرار گرفته اند. نیازهایی مثل پیشرفت (قصص، ۲۲) ، قدرت خواهی (انفال، ۱۶۰) مجادله، (۲۱) ، پیوندجویی (بقره، ۲۷) ، (رعد ، ۲۵) ، پرخاشگری و خشم (یوسف ، ۸۴) ، ترس و امیدهای اجتماعی (انفال، ۲۷) ، (قصص، ۱۹) ، نوع دوستی (کهف، ۶) (توبه، ۱۲۲) ، همه بیانگر انگیزه های اجتماعی هستند که موجب بقا و استحکام و حفظ آن از خطرات می شوند «مورچگان نیز انگیزه اجتماعی حفظ ذات دارند و یکدیگر را از خطر احتمالی باخبر می‌سازند (نمل ، ۱۸)»

می خواهد اگر پدر و مادری با حوصله باشند، بچه آنان بچه شاداب، سرحال و راضی بار می آید و اعمال و عقاید خانواده را با رضایت می پذیرد، اما وقتی با کودک با خشونت تندی رفتار می شود، او احساس رنج و تأثر می کند و شادابی خود را از دست می دهد.

روانشناسان می گویند که می توان تا ۸۰ درصد قدرت یادگیری کودک را با برنامه های تربیتی افزایش داد. غرالحکم از قول امیرالمومنین نقل می کند: "همانگونه که دانه با ریزش باران شکوفه می شود استعداد های گوناگون کودک با ادب خارجی او شکوفه می گردد." پس با برنامه های صحیح تربیتی می توان شکل جدیدی ایجاد کرد. زیرا اگر کودک محدود نشود، بدآموزی های بسیار پیدا خواهد کرد. پیدا کردن دوستان مناسب برای کودکان از کارهای بسیار مهم والدین است. به یک معنی، انسان از انس آمده است.. تنهایی بسیار خسته کننده است تجربه نشان داده است که در سنین بالا اگر انسانی را مخیر کنند که در یک سلول انفرادی با آسایش بیشتر یا در زندان عمومی با آسایش خیلی کمتر باشد، زندان عمومی را ترجیح خواهد داد. کودک نباید در اثر محدود شدن، احساس تنهایی کند و خود را شکست خورده و تنها و منزوی بداند.

ابن عساکر در تاریخ دمشق نقل می کند که جابر می گوید: "در خانه پیامبر خدا را باز کردم و دیدم، رسول خدا چهار دست و پا حسنین را بر پشت خود سوار کرده است و از این سر اتاق به آن سر اتاق می برد." بنابراین، والدین برای آدم سازی و تربیت کردن کودکان خود، باید ضمن پیدا کردن دوستان مناسب برای آنان، خود نیز برای کودکان شان اوقاتی صرف کنند. گذاشتن وقت برای کودک، پر کردن خلاء زندگی و پیدا کردن همبازی مناسب برای بچه سه شرط اساسی برقراری محرومیت و محدودیت است بعلاوه می توان دلیل محدودیت را برای کودک روشن کرد. این کار از طریق بیان داستان های جالب و حساب شده و نتیجه گیری از کار کسانی که با بدان برخورد داشته اند را به گونه ای برای کودک بازگو کرد که موجب بدآموزی نشود.

در قرآن کریم نیز از این روش برای هدایت اقوام استفاده شده است. در قرآن، ابتدا شرح حال اقوام می آید و سپس نتیجه گرفته می شود چون چنین کردند، این گونه شدند. اگر شما هم چنین کنید، آن گونه خواهید شد. همه این آیات برای عبرت گرفتن است. کودک تشنه ی بازی است و شما می توانید در قالب بازی، بسیاری از افکار را به او تلقین کنید. برای مثال می خواهید نکته ای را به کودک بیاموزید. ابتدا با او بازی کنید و سپس در قالب بازی، نتیجه آن کارها را به او نشان دهید. وقتی خود کودک در جریان بازی قرار گیرد، موضوع دیرتر از ذهن او خواهد رفت. لذا چنین می تواند نتیجه گرفت که برای تربیت کودک، ابتدا باید عوامل تربیتی را شناخت و میزان تاثیرگذاری آن عوامل را به صورت مثبت و منفی بررسی کرد یک از این عوامل، محیط است. قرآن و روایات نیز به آن اشاره کرده اند که انسان می تواند نسبت به تاثیرپذیری خود از محیط دخالت داشته باشد. پس ما به کودکان که قدرت دخالت ندارند، کمک کنیم تا تاثیرپذیری مثبتی داشته باشند. می دانیم که کودک از طریق محیط اطراف، درک، هیجانات قوی تر خطرناک تر است و باید عوامل تحریک کننده ی احساسات غلط را از کودک دور کرده، برای دور کردن این احساسات غلط می توان محدودیت و محرومیت ایجاد کرد. اما باید عوامل خنثی کننده محرومیت را نیز در نظر گرفت، وقت گذاشتن برای کودک، پر کردن خلاء، اوقات، پیدا کردن همبازی های خوب، بازی کردن با کودک و داستان گفتن برای او و روشن کردن دلیل مطلب بر اقتضای سن کودک، از کارهای ضروری است. (نیکخو، ۱۳۸۱، ص ۸۷-۸۹). رفتار والدین، متشکل از انواع پرورش خودشان، شخصیت فردی و ارزش های مورد توجه آنهاست. با مشخص کردن معیارهایی روشن از انواع رفتارها می توان از توقعات غیرمنطقی و غیرمعقول کاست و به کودک

فرصت داد که برای کنترل رفتار خود مجموعه‌ای واضح از ارزش‌ها را در اختیار داشته باشد و به علت وضع قوانین بیندیشد. به تاثیر رفتار و افکار خود بر دیگران فکر کند و مسئولیت‌پذیری را بپذیرد (همان، ص ۵۴)

۹- راهکارهای عملی

دوران کودکی را طولانی نکنید، کودک نیاز دارد که راه دستیابی به عزت را دریابد، از عفت و شرافت خویش دفاع کند و به خودکفایی برسد.

۹-۱- خوداتکائی

۹-۱-۱- عادت به قطع وابستگی : کودک را به صورت تدریجی به آنچه خواهیم می توان عادت داد. مثال: عادت دادن به خواب و استراحت به تنهایی و بدون کمک مادر ، عادت دادن به صرف غذا و ...

۹-۱-۲- حس مسئولیت: دادن مسئولیت به کودک و تمرین آن برای کمک در کارها که پس از سه سالگی میسر است. مثال: سفره را پهن کند، لیوان خالی را سر سفره بگذارد و ...

۹-۱-۳- آگاهی برای کارها: آگاهی و تفهیم به کودک که باید کارهای خودش را انجام دهد و این که چگونه در انجام آن کار می‌تواند موفق باشد، شستن دستمال، آموزش تا کردن دستمال، جوراب و ...

۹-۱-۴- القا و تشجیع : القا و تذکر برای تشجیع به کار و مسئولیت . . بحمدالله بزرگ شده‌ای. خودت برو برای خودت آب بیاورو ... دادن شهامت و جرات به او نترس، پیش برو، از تاریکی وحشت نداشته باش، به تو کمک خواهیم کرد

۹-۱-۵- شکستن عادت حضور : غیبت از محیط خانه یا اتاق تا ناگزیر به انجام کارهای خود باشد با بی‌اعتنایی به درخواست هایش ، عادت ها را بشکنیم و نگذاریم ریشه دار باشند.

۹-۱-۶- استقلال : مانوس کردن او با کسانی که زمینه استقلال دارند، همراه کردن او با چنین معاشرانی و ایجاد علاقه و تشویق او برای ارتباط و همنشینی با آن‌ها.

۹-۱-۷- تعیین حدود و وظایف: تعیین حدود، وظایف، مالکیت، استقلال و آزادی او تا معلوم شود راجع به چه اشایی با آنان حرف می‌زنند. تو باید آن را حفظ کنی. این کت توست. این کفش توست. اتاقت را باید تمیز نگه داری.

۹-۲- اعتدال

۹-۲-۱- رعایت اصل اعتدال: اصل اعتدال را در زندگی در پیش گرفته و به خود بقبولاند که هیجانم را کنترل خواهم کرد. در مسیر محبت و نوازش، جانب اعتدال را رعایت خواهم نمود. اگر مشکل برای فرزندانم پیش آمد، دستپاچه نمی شوم. توجه به فرزندانم در حدی باشد که سو استفاده نکنند. در برابر گریه ها و بهانه گیری های او تسلیم نخواهم شد. من هم مثل مادران دیگری که فرزند

خود را دوست دارند خواهیم شد اما خدمتکار خانه نیستیم. به تعادل محبت می‌کنم و در برابر بیماری‌های آن‌ها خود را نمی‌بازم و اشکم سرازیر نمی‌شود.

۹-۲-۲- تذکر اعتدال: اگر در سازندگی خود موفق شدید اینک فرصت آن است که به فرزندان تذکر بدهید. راه و رسم را به او بیاموزید. به او بیاموزید همه وظیفه ندارند تا توقع او را برآورده سازند، یا اینکه تحسین و تشویق او را بر عهده بگیرند. او برای خود شخصیتی دارد و کمتر از دیگران نیست، باید سرپا بایستد و مسئولیت قبول کند تا خود خویش را بیاید. تذکر اینکه حق ندارد روی میز راه برود، مردم خدمتکار او نیستند، ناز کسی را نمی‌خرند، باید به او آموخت که همه درخواست‌هایش عاقلانه نیست، اگر عاقلانه باشد نیازی به گریه و بهانه‌گیری ندارد چرا که مادر خود آن را برایش تهیه خواهد کرد.

۹-۲-۳- بی‌اعتنایی: بعد از دادن آگاهی و تذکرات لازم باید به مرحله اجرا توجه کنید. اگر دیدید ناراحتی جدی ندارد و فریاد می‌زند به فریادش اعتنا نکنید و اگر او را بغل کردید زودتر او را زمین بگذارید. او را دوستانه قانع کنید که شما را ناراحت نکند. بگویید کار دارید و خودش باید راه برود و به آن عادت کند، اگر هم قانع نشد، شما نظر خود را برنگردانید با قاطعیت برخورد کنید. از پرستاری دریغ نکنید اما بیماری‌اش را فاجعه‌نسازید. گاهی با نق‌زدن چیزی می‌خواهد، آرام باشید و به او تفهیم کنید اینگونه راه به جایی نمی‌برد. از حمایت او تدریجاً دست بردارید. بگذارید خودش لباس را بپوشد، دستشویی برود، به تناسب سن و خانه به او مسئولیت بدهید تا فردی مستقل، با شخصیت و با اراده بار آید.

۹-۲-۴- هماهنگی با دیگران: از اطرافیان که مورد توجه و علاقه کودک هستند همکاری بخواهید تا دست از روش سهل‌گیری و آزادگذاری بردارند و در برابر شما موضع نگیرند. اگر شما کودک را تنبیه می‌کنید آنها با شما در نیفتند که این خلاف تربیت است. عشق و عاطفه را وسیله تخریب و صدمه به کودک قرار ندهند. اگر موفق به این کار نشدید حتی می‌ارزد که از دیگران فاصله بگیرید زیرا مسئولیت شما در قبال کودکان سنگین است.

نتیجه:

بر آورده ساختن افراطی نیازهای کودک موجب بی‌انگیزه شدن می‌گردد. برخی والدین از راهکار محرومیت استفاده می‌کنند، که این خود سبب آسیب به کودک می‌شود از جمله، تندخویی،...

اما از دیدگاه اسلام و متربیان دینی بهترین روش برای انگیزه بخشی به کودک محدودسازی در برآورده ساختن خواسته‌های اوست که می‌توان راهکارهای عملی برای آن پیشنهاد داد از جمله: مسئولیت‌پذیری، اعتدال والدین.

امروزه کودکان در محیطی بزرگ می‌شوند که با یک کلیک به خواسته خود می‌رسند، و در دنیای واقعی با کوچک‌ترین تاخیر یا مانع، تاب‌آوری لازم را ندارند و در مواجهه با شکست‌های تحصیلی یا اجتماعی واکنش افراطی نشان می‌دهند. آن‌ها انگیزه‌ای برای کوشش اضافی در نظام آموزشی رقابتی امروز ندارند و بی‌حوصله و بی‌هدف هستند و به موفقیت دست پیدا نمی‌کنند.

در دنیای پیچیده امروز که تغییرات سریع اتفاق می افتد و توانایی حل مسئله حیاتی است ، کودکان وابسته به والدین، در حل مسائل بسیار ساده با چالش رو به رو می شوند. در این جامعه که بر استقلال و خودکفایی تاکید می شود، کودکان به دلیل عدم توانایی در مدیریت امور شخصی، مالی و شغلی در آینده با مشکلات جدی مواجه می شوند.

بنابراین به جای حذف کامل موانع، به واسطه آموزش مقابله با چالش های متناسب با سن و اجازه دادن به تجربه از پیامدهای انتخاب های کودک با نظارت مناسب و راهنمایی والدین به جای حلال مشکلات بودن ، می توان به تدریج در آن ها مسئولیت پذیری ایجاد کرد. از یک سو کودکان را در فضای امن و حمایتگر پرورش داد و از سوی دیگر مهارت های ضروری برای دنیای پیچیده امروز را در آن ها توسعه داد و از افراط و تفریط پرهیز کرده و میانه روی را پیش گرفت.

در قرن بیست و یکم باید کودکان را برای زندگی واقعی با انگیزه درونی ، تاب آوری و مسئولیت پذیری آشنا ساخته و ویژگی های ضروری برای موفقیت را در آن ها پرورش داد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ایت الله ناصر مکارم شیرازی، دار القرآن چ سوم، قم، ۱۳۷۶.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۱)، روانشناسی تربیتی کاربردی ، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- امینی، ابراهیم (۱۳۶۸)، آیین تربیت، تهران: انتشارات اسلامی.
- پارسا، محمد (۱۳۹۲)، روانشناسی تربیتی، تهران: سخن.
- حرامعلی، محمدبن حسن (۱۴۰۲)، وسائل الشیعه (ج ۱۵) ، اصفهان : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۰۷)، لغتنامه دهخدا (ج ۳)، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا (ج ۴)، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۹)، روان شناسی تربیتی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۵)، روان شناسی پرورشی ، روان شناسی یادگیری و آموزش ، تهران: نشر آگاه.
- سیف ، علی اکبر (۱۳۸۷)، تغییر رفتار و رفتاردرمانی، تهران: دوران.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۹)، روان شناسی پرورشی، پرورش، تهران: دوران.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۵) خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، تهران و قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها سمت

سالاری فر، محمدرضا و دیگران (۱۴۰۱)، بهداشت روانی، تهران و قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، سمت.

شریعتمداری، علی (۱۳۹۸)، روانشناسی تربیتی، تهران: امیرکبیر.

قائمی، علی (۱۳۷۳)، خانواده و مسائل عاطفی کودکان، تهران: امیری.

کاوایانی، محمد (۱۳۹۴)، روانشناسی در قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۳)، الکافی (ج ۶)، (غفاری علی اکبر و آخوندی)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، بحارالانوار (ج ۷۸)، تهران: گروه مترجمان، نهاد کتابخانه عمومی کشور.

معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی (ج ۱)، تهران: بهزاد.

نیکخو، مهدی (۱۳۸۱)، کودک و تربیت، قم، گلستان ادب.

هدایتی فخرداوود، ابوالفضل (۱۳۸۴)، پدران مادران و پرورش کودکان، مشهد: فراگام.

همتی راد، گیتی (۱۳۹۶)، انگیزش و هیجان، تهران، دانشگاه پیام نور.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی (ج ۲)، (آیتی محمد ابراهیم) تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.